

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال سوم شماره ۷۳

۲۶ بهمن ۱۳۹۶ / ۱۵ فوریه ۲۰۱۸

حقوق ما

انتخابات کانون وکلا



کانون وکلای دادگستری

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: کامبیز غفوری

تحریریه: فیروزه رمضان زاده، میلاد عیسی پور

مشاور حقوقی: نقی محمودی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

در این شماره، وکلا از کانون وکلای دادگستری می گویند

بشیری: با این روند تأیید صلاحیت ها، استقلالی

برای کانون وکلا باقی نمی ماند

دلایل رد صلاحیت نامزدهای کانون وکلا؛

از وکالت پرونده های سیاسی تا چت تلگرامی

استقلال کانون وکلا در جمهوری اسلامی تنها به نخی بند شد

عبدالصمد خرمشاهی: گروه گرایی و نادیده گرفتن

قانون در انتخابات کانون وکلا

استقلال کانون وکلا، مایه نگرانی هیأت حاکمه؛

گفت وگو با مصطفی دانشجو

شعله سعدی: قوه قضاییه غیرمستقل، نمی خواهد

کانون وکلا مستقل باشد

در این شماره، وکلا از کانون وکلای

دادگستری می‌گویند



کامبیز غفوری

«در این موقع که می‌خواهم به شغل شریف وکالت نائل شوم، به خداوند قادر متعال قسم یاد می‌کنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهاری ننمایم و نسبت به اشخاص و مقامات قضائی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را نموده و از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه‌توزی و انتقام‌جویی احتراز نموده و در امور شخصی و کارهایی که از طرف اشخاص انجام می‌دهم راستی و درستی را رویه خود قرارداده و مدافع از حق باشم و شرافت من وثیقه این قسم است که یاد کرده و ذیل قسم‌نامه را امضاء می‌نمایم.»

سوگندنامه فوق، ماده ۳۹ آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، مصوب ۱۳۳۴ را تشکیل می‌داد. کانونی که لایحه استقلال آن در دوران نخست‌وزیری محمد مصدق، نخستین ایرانی که موفق به اخذ دکترا در رشته حقوق شده بود، به تصویب رسید.

حتی پس از کودتای ۲۸ مرداد، زمانی که کلیه لوایح دکتر مصدق ذیل «اختیارات حاصله از ماده واحده مصوب ۱ مرداد ۱۳۳۱» ملغی شدند و نیاز به ارائه و تصویب مجدد داشتند، کانون وکلای دادگستری با تصویب مجدد همان لایحه ۱۳۳۱ در اسفند ۱۳۳۳ استقلال خود را حفظ کرد و این استقلال تا پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ادامه یافت.

لیکن به روایت امیر رئیسیان، وکیل دادگستری، «هیأت

مدیره این کانون که هیچ گونه رسالت و فعالیت سیاسی و غیر صنفی برای آن تعریف نشده، بعد از انقلاب از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۶ منحل اعلام شد؛ علیرغم این که «قانون استقلال وکلا» مصوب سال ۱۳۳۱ در دولت دکتر مصدق، تا آن زمان همچنان مشروعیت قانونی داشت.»

او به حقوق ما گفت که «انحلال هیأت مدیره این کانون در سال ۱۳۵۸ با هدف تصفیه وکلایی انجام شد که به گفته مسئولان، با حکومت قبل همکاری داشتند.»

این روند اما تا سال ۱۳۷۶ ادامه یافت در این سال، در این سال قانون «کیفیت اخذ پروانه وکالت» به تصویب مجلس وقت رسید که بر اساس ماده چهارم آن، اختیار تشخیص صلاحیت نامزدهای هیأت مدیره کانون به دست دادگاه عالی انتظامی قضاات افتاد.

امری که باعث شد هنگام برگزاری انتخابات برای تعیین هیأت مدیره کانون وکلا، همواره چندین وکیل خوش‌نام به دلایلی که اعلام نمی‌شود، رد صلاحیت شوند. آخرین مورد، در انتخابات اخیر روی داد که ۲۹ نامزد بیست‌وهشتمین دوره انتخابات هیأت مدیره کانون وکلای مرکز رد صلاحیت شدند. عبدالصمد خرمشاهی، یکی از وکلای رد صلاحیت شده در این دوره، به حقوق ما گفت: «در سال ۱۳۷۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت تصویب شد که به نظر می‌رسد تصویب آن ضرورت خاصی نداشت. چرا که تا آن زمان نیز ضوابط اخذ پروانه وکالت، قانون خاص خود را داشت. با تصویب این قانون به نوعی احساس شد که قوه قضائیه تمایلی برای تداوم



کانون وکلای دادگستری

استقلال کانون وکلا ندارد.»

او گفت: «در مواردی دادگاه عالی انتظامی قضاات به عنوان مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدها به صورت غیر شفاف عمل کرده و وکلایی را فاقد صلاحیت اعلام کرده که بسیار خوش‌نام هستند. اگر یک همکار، وکالت متهمان پرونده‌های سیاسی را بر عهده می‌گیرد، از دایره قانون خارج نشده و البته به این معنا هم نیست که با آن متهم لزوماً هم‌سویی دارد... این بدان معنا نیست که در مقام دفاع از موکل، با او هم‌سو و هم‌نظر هستند. بسیاری از همکاران، شجاعانه وکالت این دست از متهمان را بر عهده گرفته‌اند و شاید این قضیه به مذاق برخی از حضرات خوش نیامده است.»

رئیسیان حتی از کپی متن چت‌های تلگرامی وکلا در گروه‌های تخصصی، به عنوان دلایل رد صلاحیت برخی از همکارانش یاد کرد.

در این شماره از مجله، مصطفی دانشجو، وکیلی که پروانه وکالتش در جریان دفاع از حقوق جامعه دراویش طریقت نعمت‌اللهی گنابادی ابطال شده، گفت که «مجلس در این سالها تکاپو می‌کند برای این که بتواند با تصویب قانون، استقلال کانون را بگیرد و برگرداند به همان وکیل دولتی عدلیه. در نتیجه با این شرایطی که ما مواجه هستیم کانون وکلا تاکنون توانسته است مقاومت کند و در برابر این هجمه‌های وارد شده اعتراضات خود را وارد کند. اما به هر حال

بر رفتار کانون این ایراد هم وارد است و اعتراضی هم که از طرف بدنه جامعه وکالت نسبت به کانون وکلا صورت می‌گیرد هم اعتراضات بجایی است و بهتر است که کانون به فکر شنیدن این اعتراضات باشد و بتواند همواره استقلالی که برای به دست آوردنش زحمات زیادی کشیده شده و پیش از این نیم قرن توانسته دوام بیاورد، همچنان مستدام حفظ شود.»

احمد بشیری، حقوقدان، کمی بدبین‌تر است و می‌گوید که با این روند تأیید صلاحیت‌ها، استقلالی برای کانون وکلا باقی نمی‌ماند. او در گفت‌وگو با مجله حقوق ما، اظهار کرد: «تنها راه حلی که به نظر من می‌رسد، این است که در این قانون یا تجدیدنظر صورت گیرد یا به طور کلی برداشته شود و استقلال کانون وکلای دادگستری به جای خودش برگردد.»

همچنین قاسم شعله‌سعدی، حقوقدان و نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی، از جمله وکلایی که صلاحیت وی در سه دوره از انتخابات هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز از سوی دادگاه عالی انتظامات قضاات رد شده است، می‌گوید که وکلا باید در برابر این رد صلاحیت‌ها خودشان اقدام کنند: «همان کسانی که تأیید صلاحیت شده‌اند می‌بایست انصراف می‌دادند و در انتخابات شرکت نمی‌کردند.» تمام این گفت‌وگوها را به همراه مطلبی از نقی محمودی، مشاور حقوقی مجله، در شماره ۷۳ مجله حقوق ما خواهید خواند.

بشیری: با این روند تأیید صلاحیت‌ها، استقلالی برای کانون وکلا باقی نمی‌ماند



فیروزه رمضان‌زاده

انتخابات هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز هر دو سال یک‌بار برگزار می‌شود که از تعداد ۱۸ نفر، ۱۲ نفر به عنوان عضو اصلی (شامل رییس، دو نایب رییس، دو بازرس و دو منشی) و ۶ نفر به عنوان عضو علی‌البدل انتخاب می‌شوند. امسال، در سی‌امین دوره از انتخابات هیأت مدیره، ۲۸ نامزد شرکت در این دوره از انتخابات از سوی دادگاه عالی انتظامی قضات رد صلاحیت شدند.

رد صلاحیت این وکلا که برخی از آنها از وکلای سرشناس دادگستری به شمار می‌روند، اعتراض و واکنش‌هایی را از سوی جامعه وکالت در پی داشته است.

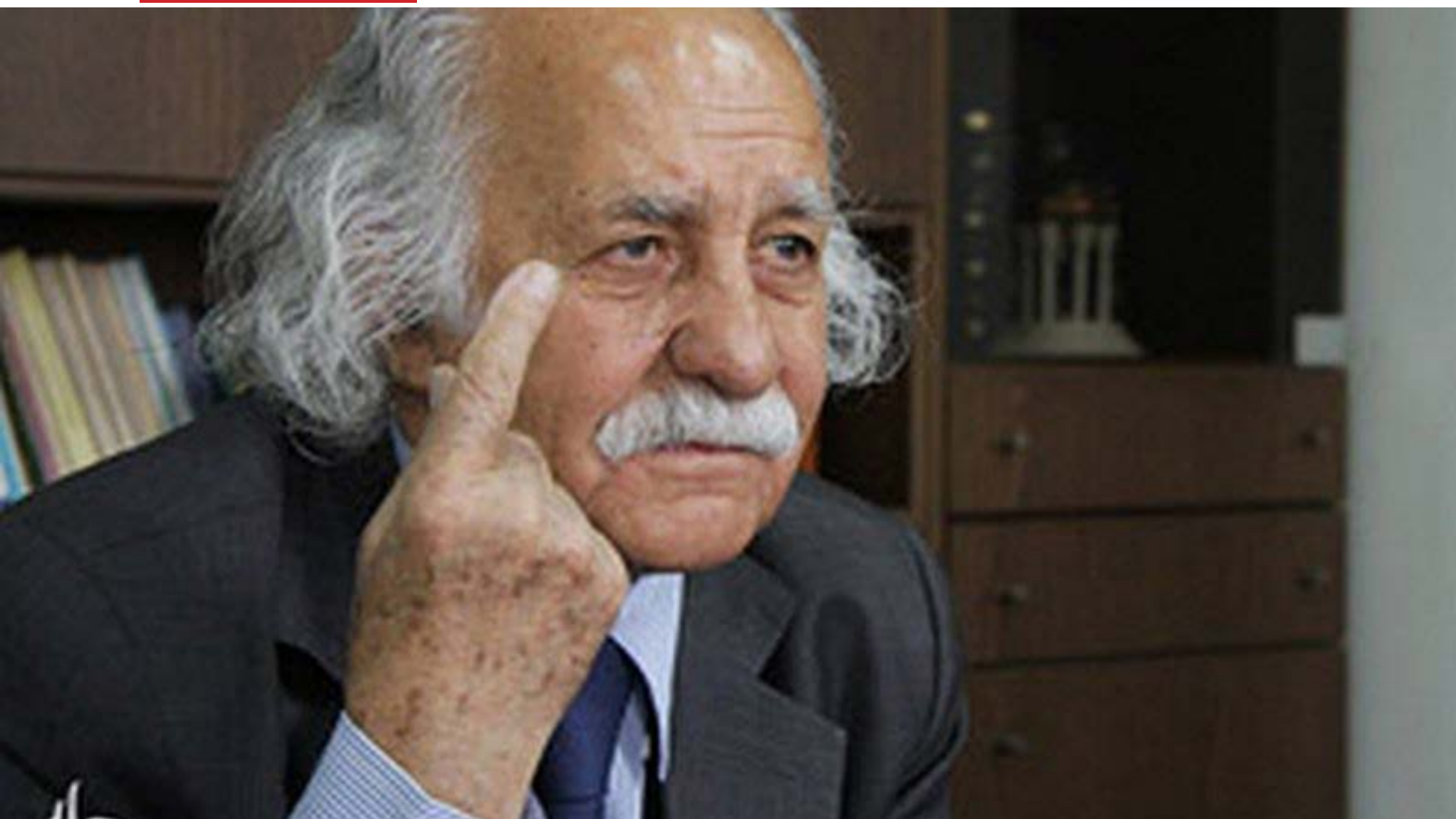
در سال ۱۳۷۶ با تصویب قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری، امکان برگزاری مجدد انتخابات هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری فراهم شد، ولی در تبصره یک همین قانون، مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدهای عضویت در هیأت مدیره کانون وکل، بر عهده دادگاه عالی انتظامی قضات گذاشته شده است.

در تبصره یکم این قانون آمده است: «مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدها، دادگاه عالی انتظامی قضات بوده که مکلف است ظرف حداکثر دو ماه ضمن استعلام سوابق از مراجع ذیربط، صلاحیت آنان را بررسی و اعلام نظر کند و مراجع ذیصلاح قانونی که از نامزدها، سوابق یا اطلاعاتی دارند در صورت استعلام موظف به اعلام آن می‌باشند.»

احمد بشیری، حقوقدان و یکی از اعضای کانون وکلای دادگستری مرکز، با استناد به قانون یاد شده، به حقوق ما می‌گوید: «طبق قانون خاصی که برای انتخابات کانون وکلای دادگستری مرکز وضع شده، کانون برای انتخابات هیأت مدیره خود مجبور است که فهرست اسامی داوطلبان هیأت مدیره را برای دادگاه عالی انتظامی قضات بفرستد و آنها هم با ضوابطی که خودشان دارند، فهرست اسامی کسانی را که برای عضویت در انتخابات هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری صالح می‌دانند، اعلام می‌کنند. براساس آن اسامی که از سوی دادگاه عالی انتظامی قضات اعلام شده است انتخابات هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری انجام می‌شود و اعضای هیأت مدیره از میان همین منتخبین انتخاب می‌شوند و به هیأت مدیری کانون وکلای دادگستری مرکزی منصوب می‌شوند.»

آیا این احتمال وجود دارد که دادگاه عالی انتظامی قضات تا یک روز قبل از برگزاری این دوره از انتخابات کانون وکلا، صلاحیت تعداد دیگری از کاندیداهای رد صلاحیت شده را تأیید کند و فهرست تأیید صلاحیت شده‌ها برای این انتخابات افزایش یابد؟

این حقوقدان معتقد است: «البته به ندرت چنین اتفاقی می‌افتد، این موضوع دو علت دارد. یکی این که به هیچ کدام از این افرادی که رد صلاحیت شده‌اند، توضیحی داده نمی‌شود که به چه دلیلی از آنها سلب صلاحیت شده است. البته برخی



از این افراد در سال‌های گذشته صلاحیت‌شان مورد تأیید قرار گرفته، اما در دوره اخیر صلاحیت‌شان رد شده است. وقتی که مراجعه می‌کنند که دلایل رد صلاحیت‌شان را به آنها اعلام کنند معمولاً این دلایل را نشان نمی‌دهند.

دلیل دوم این که دادگاه عالی انتظامی قضات اساساً خودش را مکلف نمی‌داند که دلایل رد صلاحیت نامزدهای هیأت مدیره انتخابات کانون وکلای دادگستری را اعلام کند؛ حتی به خود اشخاص یا به کانون وکلای دادگستری. در نتیجه این شرایط، یک حالت ابهام آمیزی بر روی این موضوع، دائماً سایه می‌اندازد و تا به حال هم کسی هم نتوانسته است راه حلی برای این موضوع پیدا کند.»

به گفته بشیری، افراد دیگری که صلاحیت‌شان رد شده است غالباً افراد ناشناخته‌ای نیستند. برخی از این افراد در هیأت مدیره‌های قبلی کانون وکلای دادگستری عضویت داشته‌اند، صرف نظر از این که صلاحیت‌شان تأیید شده باشد یا نه، آنها اساساً عضو هیأت مدیره کانون بوده‌اند و در دوره بعد مورد تأیید قرار نگرفته است. همان طور که گفتیم، در این حالت دوگانه‌ای که پیش آمده، نمی‌دانیم باید چه کار کنیم. و تنها راه حلی که به نظر من می‌رسد، این است که در این قانون یا تجدیدنظر صورت گیرد یا به طور کلی برداشته شود و

وقتی که اعضای هیأت مدیره کانون را باید افراد دیگری خارج از کانون انتخاب کنند و صلاحیت‌شان را تأیید کنند، دیگر استقلالی باقی نمی‌ماند



استقلال کانون وکلای دادگستری به جای خودش برگردد.» لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری که با تلاش های محمد مصدق در ۲۶ ماده تهیه شد در هفتم اسفندماه ۱۳۳۳ به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید. از آن زمان تاکنون هفتم اسفند به عنوان روز استقلال کانون وکلای دادگستری به شمار می‌رود.

احمد بشیری در مورد استقلال کانون وکلای دادگستری از آن زمان تاکنون می‌گوید: «به نظر من کانون وکلای دادگستری بعد از انقلاب دیگر استقلال خودش را گاهی به صورت نیم‌بند داشته و گاه نداشته و وضعیت موجود هم همان حالت نداشته و عدم استقلال کانون را نشان می‌دهد. یعنی وقتی که اعضای هیأت مدیره کانون را باید افراد دیگری خارج از کانون انتخاب کنند و صلاحیت‌شان را تأیید کنند، دیگر استقلالی باقی نمی‌ماند و قانون هم کار دیگری از دستش ساخته نیست.»

او در ادامه توضیح می‌دهد: «به موجب همان قانونی که به شما عرض کردم انتخاب و گزینش اعضای هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری برعهده دادگاه عالی انتظامی قضات نهاده شده است. البته به نظر خود من و خیلی‌های دیگر که من البته

نماینده آنها نیستم، یک امری است که مسلماً نافی استقلال کانون وکلای دادگستری است. منتها شما در برابر یک قانون قرار دارید. قانون عجالتاً می‌گوید که انتخابات هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری باید زیر نظر دادگاه عالی انتظامی قضات انجام بگیرد و اگر ما بخواهیم از حالت خارج شویم، طبعاً نیازمند تصویب یک قانون جدید است که این اختیار را از دادگاه عالی انتظامی قضات بگیرد و به خود کانون وکلای دادگستری واگذار کند که البته راه حل صحیح قانونی آن همین است ولی در حال حاضر کار دیگری نمی‌توان انجام داد.»

او به عنوان یکی از اعضای کانون وکلای دادگستری، می‌گوید: «برای نامزدی در انتخابات این دوره هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری ثبت‌نام نکردم ولی در دوره‌های دیگر که ثبت نام کرده بودم، همین حالت دوگانه را تجربه کرده‌ام؛ یعنی یک سال اسم من را تأیید کردند اما در سال‌های دیگری تأیید نکردند. و اساساً خود من نفهمیدم که چرا یک سال مرا تأیید کردند و سال دیگری مرا تأیید نکردند، دیگران هم همین سردرگمی را دارند و فعلاً وضع همین است.»

دلایل رد صلاحیت نامزدهای کانون وکلا؛ از وکالت پرونده‌های سیاسی تا چت تلگرامی



میلاد عیسی‌پور

از گفت‌وگوهای وکلا در فضای مجازی نیز از امیر رئیسیان پرسیده است. او استدلال می‌کند که هیچ راهی جز خود وکلا برای دستیابی به این اطلاعات نیست.

مشروح مصاحبه مجله حقوق با امیر رئیسیان:

امیر رئیسیان، از جمله وکلایی است که به‌رغم فشارهای مختلف، هیچ گاه از قبول وکالت فعالان مدنی و سیاسی خودداری نکرده است.

این وکیل دادگستری در مورد زمینه قانونی رد صلاحیت نامزدهای هیأت مدیره کانون وکلا معتقد است که اگر چه نمی‌توان از تأثیر «قانون نحوه اخذ پروانه وکالت»، مصوب سال ۱۳۷۶ گذشت، لیکن رویه در پیش گرفته شده از سوی دادگاه عالی انتظامی قضات را نیز باید مورد توجه قرار داد.

از نظر زمینه قانونی، آقای رئیسیان معتقد است، قانون مصوب سال ۱۳۷۶ با گنجانیدن تنها یک عبارت در متن، اختیار فراوانی برای رد صلاحیت وکلا به دادگاه عالی انتظامی قضات داده است.

به گفته رئیسیان، این قانون که به صورت «عجولانه» تدوین شده، به «دادگاه» اجازه داده که «نظر» خود را در مورد فهرست وکلای اعلام شده از سوی هیأت نظارت بر انتخابات کانون وکلا اعلام کند.

این اختیار قانونی غیر شفاف، به نظر امیر رئیسیان، باعث شده تا دادگاه عالی انتظامی قضات حتی «چت تلگرامی» یک وکیل را برای خطر قرمز کشیدن روی نام او در انتخابات، کافی بداند.

مجله «حقوق ما» در مورد نحوه اطلاع یافتن «دادگاه عالی»

دلیل قانونی رد صلاحیت بسیاری از نامزدهای هیأت مدیره کانون وکلا در سال‌های گذشته چیست؟

برای پاسخ به این سوال باید به عقب برگشته و سابقه فعالیت کانون وکلا در ایران را مورد بررسی قرار دهیم.

شرح وظایف کانون وکلا در چند موضوع خلاصه می‌شود. اول صدور پروانه وکالت، دوم نظارت بر رفتار وکلا و ابطال پروانه وکلای متخلف، و سوم فعالیت در مورد حقوق صنفی این قشر. این‌ها از وظایف قانونی کانون وکلا در جمهوری اسلامی ایران است.

هیأت مدیره این کانون که هیچ گونه رسالت و فعالیت سیاسی و غیر صنفی برای آن تعریف نشده، بعد از انقلاب از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۶ منحل اعلام شد؛ علیرغم این که «قانون استقلال وکلا» مصوب سال ۱۳۳۱ در دولت دکتر مصدق، تا آن زمان همچنان مشروعیت قانونی داشت.

انحلال هیأت مدیره این کانون در سال ۱۳۵۸ با هدف تصفیه وکلایی انجام شد که به گفته مسئولان، با حکومت قبل همکاری داشتند.

روند انحلال هیأت مدیره کانون وکلا از همان سال تا سال

۱۳۷۶ ادامه پیدا کرد. در این سال قانون «کیفیت اخذ پروانه وکالت» به تصویب مجلس وقت رسید که بر اساس ماده چهارم آن، اختیار تشخیص صلاحیت نامزدهای هیأت مدیره کانون به دست دادگاه عالی انتظامی قضات می‌افتد.

اما در ماده چهارم همین قانونی که عجولانه تدوین شده، عبارتی به کار رفته که تا امروز، پاشنه آشیل برگزاری عادلانه و آزادانه انتخابات هیأت مدیره کانون وکلا می‌شود.

در این ماده آمده که دادگاه عالی انتظامی قضات باید ظرف دو ماه در مورد نامزدهای این انتخابات «نظر» بدهد.

در حالی که بر اساس قانون آئین دادرسی کیفری، دادگاه یا باید «حکم» صادر کند یا «قرار» و یا تصمیم قضایی. هر سه این وظایف دادگاه باید به صورت توافقی انجام شود. به این معنا که دادگاه باید استدلال ذی‌حق را شنیده و بر اساس آن، به اعمال قانون بپردازد.

در حالی که بر اساس قانون سال ۱۳۷۶، نه تنها امکان دفاع برای ذی‌حق پیش‌بینی نشده، که حتی دادگاه عالی قضات نیز به ارائه دلیل برای توجیه «نظر» خود موظف نشده است.

البته در این قانون از لفظ «رسیدگی» هم برای روند بررسی صلاحیت نامزدها استفاده شده اما به بهانه وجود کلمه «نظر»، از رسیدگی به پرونده طبق اصول آئین دادرسی خودداری می‌شود.

جدا از این، دادگاه عالی انتظامی قضات بر اساس همان قانون اخذ پروانه سال ۱۳۷۶، تنها موظف است که اسامی مورد تأیید خود را به کانون‌های وکلا اعلام کند و نه خود کاندیداها. به این صورت، نامزدها حتی امکان اطلاع از دلایل رد صلاحیت خود را به نیز طور مستقیم ندارند.

دادگاه، صرفاً یک فهرست از کسانی که از نظر او می‌توانند در انتخابات نامزد شوند به کانون ارائه می‌کند.

این وسط البته اتفاقات دیگری هم رخ داده است و آن هر چه تنگ‌تر شدن دایره وکلای مورد تأیید دادگاه عالی انتظامی قضات است. در سال‌های ابتدایی برگزاری انتخابات هیأت مدیره کانون بعد از تصویب قانون کیفیت اخذ پروانه، وکلایی که به نوعی مواضع سیاسی منتقدانه داشتند از شرکت در انتخابات محروم می‌شدند.

در دوره‌های بعدی کار به جایی رسید که دادگاه حتی صلاحیت وکلایی را هم که وکالت پرونده‌های سیاسی را به دست می‌گرفتند نیز رد کرد.

روند حذف وکلا از انتخابات هیأت مدیره کانون وکلا تا جایی پیش رفت که امروز کسانی هم که در یک گروه تلگرامی اظهار



نظری کاملاً تخصصی انجام می‌دهند، از حق انتخاب شدن در این انتخابات محروم می‌شوند.

با توجه به این که گفتید دادگاه عالی انتظامی قضات مستندات خود را به وکلای رد صلاحیت شده اعلام نمی‌کند، لطفاً توضیح دهید که از چه طریقی متوجه شدید حذف برخی از همکاران شما با استناد به اظهار نظری در شبکه‌های اجتماعی انجام شده است؟

در سال‌های متمادی وقتی ما لیست افراد رد صلاحیت شده را دیدیم، متوجه شدیم مثلاً این افراد هیچ کاری جز مصاحبه با رسانه‌های خارج از کشور یا فعالیت سیاسی انجام نداده‌اند که به رد صلاحیت آن‌ها منجر شود.

هر چند باید این را هم اضافه کرد که شاید رد صلاحیت برخی از همکاران بنا بر آن چه در قانون آمده یعنی نداشتن «سوء شهرت»، عملی درست باشد ولی پرسش اینجاست؛ وکیلی که حسن شهرت ندارد چطور می‌تواند به وکالت خود ادامه دهد و تنها از نامزدی برای عضویت در هیأت مدیره کانون وکلا محروم می‌شود؟

وضعیت رد صلاحیت افراد، امروز به جایی رسیده که برخی از همکاران چون دیگر کاملاً نسبت به احراز صلاحیت خود ناامید شده‌اند، حتی برای انتخابات، نامزد هم نمی‌شوند. آقای دادخواه یا آقای زرافشان در همین دسته هستند. ظاهر ماجرا این است که امسال ۲۹ نفر از همکاران توسط دادگاه عالی انتظامی قضات رد صلاحیت شدند. ولی واقعیت داستان این است که باید تعداد زیاد دیگری را هم که به دلیل رد صلاحیت سال‌های قبل، اصولاً امسال برای نامزدی ثبت نام نکرده‌اند، به این فهرست اضافه کرد. از جمله این افراد می‌توان به محمود کاشانی اشاره کرد که حتی همان مواضع سیاسی یا اظهار نظر در گروه‌های تلگرامی را نداشتند ولی به دلیل رد صلاحیت سال‌های قبل، دیگر کاندیدا نمی‌شود.

در پاسخ به پرسش شما، تعدادی از دوستان با مراجعه مستقیم به دادگاه عالی انتظامی قضات، این دلیل رد صلاحیت خود را متوجه شدند و عده‌ای نیز به طور غیر مستقیم از این موضوع مطلع شدند.

توجه کنید که اشکال این روند حذفی فقط این نیست که تعداد زیادی از وکلای دارای رویکردهای منتقدانه از مدیریت کانون وکلا محروم می‌شوند؛ مسئله بنیادی‌تر این است که هیأت مدیره‌ای که از طریق این روش نظارتی دادگاه عالی انتخاب می‌شوند، برای حذف نشدن خود در دوره‌های آینده،

تمام سیاست‌های مدیریتی را بر اساس خواست دادگاه عالی انتظامی قضات اعمال می‌کنند.

به این معنا که مدیران انتخابی، در گزینش گردانندگان اجزای داخلی کانون نیز از به کارگیری شخصیت‌های رد صلاحیت شده خودداری می‌کنند.

به این صورت شیوه بررسی صلاحیت‌ها از سوی دادگاه عالی نه تنها انتخابات، بلکه کلیت سیاست‌گذاری و راهبری کانون وکلا را تحت الشعاع خود قرار داده است.

برای نمونه آقای دادخواه که قبلاً گفتم بارها اجازه ورود به انتخابات را پیدا نکرده، سال‌ها به مدیریت هیچ کدام از بخش‌های داخلی کانون نیز انتخاب نشد.

با این روندی که تشریح کردید، تشکیلات کانون وکلا نه تنها در برابر برخورد حذفی دادگاه عالی انتظامی قضات در انتخابات کانون، اعتراضی نداشته بلکه به نوعی هم به این شیوه نظارتی دامن زده است.

امکان اعتراض تشکیلاتی به این شیوه نظارتی وجود ندارد. دادگاه عالی انتظامی قضات، با استفاده از متن قانون که همان ارائه «نظر» است، به بررسی صلاحیت‌ها می‌پردازد. اعتراض به این شیوه در واقع، اعتراض به نفس قانون است که برای وکیل به عنوان نماینده قانون امکان‌پذیر نیست.

آن سو نیز چهره‌های برجسته صنف وکلا در سال‌های گذشته تلاش کرده‌اند با ریش‌سفیدی و مذاکره با دادگاه عالی انتظامی قضات، مشکل را حل کنند. ریش‌سفیدی و مذاکره اگرچه حرکتی قانونی نیست، یعنی در قانون پیش‌بینی نشده، ولی نقض قانون هم نیست.

مذاکره با دادگاه عالی نیز در برخی مواقع در تأیید صلاحیت برخی همکاران موفق بوده و در بسیاری شرایط نیز نتوانسته چنین کاری را پیش ببرد.

اما برای تغییر خود قانون که به گفته شما دلیل مهم رد صلاحیت وکلا است هم از سوی این صنف کار خاصی هم انجام نشده است.

وضعیت بازنگری در قوانین مربوط به وکالت، بسیار پیچیده و «تصنعی» است. برای کانون وکلا این امکان روی کاغذ هست که از مجلس برای بازنگری در قانون درخواست کند. ولی در سال‌های اخیر موجی به صورت «مصنوعی» در جامعه راه افتاده که می‌خواهد هر کسی که را که فارغ التحصیل رشته حقوق است، وکیل بداند و آزمون وکالت را به کل حذف کند.



این موج از طریق برخی کانون‌های قدرت سیاسی شکل گرفته و در میان فارغ‌التحصیلان بیکار نیز حامیان زیادی دارد.

این نگرانی وجود دارد که اگر کانون وکلا درخواست بازنگری در قانون اعطای پروانه وکالت را به مجلس ارائه دهد، این طیف از کانون‌های قدرت نیز برای انجام تغییرات قانونی مورد پسند خود، فشار بیاورد.

از آن جا که در سیستم آموزش عالی ما دانشگاه‌هایی با سطح نازل کیفیت هستند که تعداد زیادی فارغ التحصیل حقوق وارد بازار کار می‌کنند، این تحول می‌تواند ضربه‌ای اساسی به کیفیت ارائه خدمات وکالتی در جامعه بزند.

از آن سو، امکانات سخت افزاری کانون وکلا برای نظارت بر کار این جمعیت عظیم وکیل نیز بسیار محدود است. این موج تصنعی ورود فارغ التحصیلان حقوق به جرگه وکلا حدود صد

هزار عضو دارد. از طرفی کانون وکلای مرکز در مجموع حداکثر سه ساختمان برای بیش از بیست هزار وکیل دارد.

حالا اگر تصور کنیم به این جمعیت بیست هزار تایی، صد هزار وکیل جدید افزوده شود، ارائه خدمات نظارتی بر وکلا از سوی کانون، بسیار سخت‌تر خواهد شد.

معضل دیگری که احتمالاً باعث شده کانون وکلا تا به حال از دادن درخواست اصلاح قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت صرف نظر کنند، این است که گاهی اوقات، یک قانون وقتی به مجلس به صورت طرح یا لایحه ارائه می‌شود، می‌دانیم با چه هدفی ارائه شده اما وقتی آن طرح یا لایحه از صافی مجلس و بعد شورای نگهبان می‌گذرد، نمی‌فهمیم نسبت این قانون با طرح اولیه چیست.

مجلس و شورای نگهبان در برخی قوانین حقوقی به حدی دستکاری داشته‌اند که اصولاً از هدف اولیه دور شدند.

البته این مشکل با مدیریت کانون وکلا شاید قابل حل باشد ولی این مدیریت تا به حال انجام نشده و بنابراین دوستان به تمام این دلایل، قید اصلاح این قانون را زده‌اند.

یکی از همکاران شما از نقش گزارش‌های منفی برخی از وکلا به دادگاه عالی قضات در مورد بقیه رقبای وکیل خود در انتخابات هیأت مدیره کانون صحبت کرد. آیا شما هم این موضوع را تأیید می‌کنید؟

پاسخ ساده به این سوال این است: خیر! من مستنداتی دال بر

این قضیه مستقیماً مشاهده نکردم. اما اگر بخواهیم بر اساس قرائن و امارات قضاوت کنیم باید بگوییم بله! چنین چیزی وجود دارد.

همان طور که گفتم، رد صلاحیت بسیاری از وکلا به خاطر برخی اظهارنظرها در گروه‌های تلگرامی و یا کلاً در فضاهای خصوصی روی داده است.

از سوی دیگر دادگاه عالی انتظامی قضات، چهار مرجع رسمی برای دریافت اطلاعات در مورد نامزدهای هیأت مدیره کانون وکلا دارد؛ وزارت اطلاعات، حفاظت اطلاعات قوه قضائیه، دادسرای دادگاه عالی انتظامی قضات و حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی.

گذشته از دو مرجع خارج از قوه قضائیه یعنی حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات، حتی دو مرجع دیگر درون این قوه هم، هیچ ضابط رسمی در کانون برای اخذ گزارش در مورد اعضا ندارند.

هیچ نماینده‌ای از ارگان‌ها در کانون وکلا به طور رسمی مسئولیت دریافت اطلاعات در مورد فعالیت‌های مختلف وکلا را ندارد.

این به آن معناست که به ناچار گزارش‌های این نهادهای چهارگانه نظارتی به طور غیر رسمی دریافت می‌شوند.

پس با این حساب، عجیب نیست اگر نتیجه بگیریم که برخی اعضای خود کانون هستند که چه چنین گزارش‌هایی را در مورد همکاران به دادگاه عالی انتظامی قضات ارائه می‌کنند. از طرف دیگر، خود دادگاه عالی به برخی همکاران رد صلاحیت شده ما اعلام کرده که گزارش‌ها را از طرف برخی وکلا دریافت می‌کند.

نکته مهم در این رابطه این است که قاعده‌تاً چنین گزارش‌هایی بدون اسم و امضا به این دادگاه ارائه می‌شوند. استناد به گزارش بدون اسم و امضاء هم به هیچ وجه جنبه قانونی ندارد.

حالا یا دادگاه عالی برای وثوق یافتن این گزارش‌ها به تحقیقات میدانی روی می‌آورد، و یا آن که بدون هر گونه تحقیق میدانی به این گزارش‌های فاقد سندیت قانونی برای حذف نامزدهای کانون وکلا از انتخابات هیأت مدیره اقدام می‌کنند. هر دو این

روش‌ها بدون تردید غیر قانونی و خارج از معیارهای اخلاقی و دادرسی عادلانه است.

استقلال کانون وکلا در جمهوری اسلامی تنها به نخی بند شد



نقی محمودی

در حال حاضر، هنوز وکلای غیر روحانی اجازه حضور و وکالت در دادسرا و دادگاه های ویژه روحانیت را ندارند و حتی برای خود وکلای روحانی نیز بایستی مجوز خاصی در این خصوص صادر شود و گر نه هر وکیل روحانی هم بدون داشتن چنین مجوزی، قادر به وکالت در دادسرا و دادگاه مذکور نیست. وجود یک کانون وکلای مستقل از قوه قضاییه و حاکمیت، همیشه خواب حکومت های توتالیتر را آشفته می کند. وکلای مستقلی که بدون اطاعت از سیستم حاکمه، وکالت انسان های تحت جور حاکمیت را بر عهده بگیرند. به همین دلیل، حاکمیت های مستبد همواره در تلاشند تا به لطایف الحیل، استقلال کانون های وکلا را تحدید و مخدوش کنند. جمهوری اسلامی ایران هم به عنوان سرسلسله جنبان حاکمیت های مستبد در دنیای معاصر، اقداماتی را در این خصوص انجام داده است که ذیلا به مواردی از آن اشاره می شود.

الف _ مداخله، نظارت و اعمال قدرت قوه قضائیه و اداره اطلاعات در انتخابات، نحوه و ترکیب هیأت مدیره و رئیس کانون های وکلا دادگستری:

به جز داشتن شرایط عمومی کاندیداهای هیأت مدیره کانون های وکلای دادگستری، اعم از شرط سنی بالای ۳۵ سال، هشت سال سابقه وکالت و نداشتن سو شهرت،

حرفه وکالت و وکلا، از همان آغاز تأسیس جمهوری اسلامی ایران، در معرض شدیدترین تحدیدها قرار گرفته اند. این تحدیدها گاه به صورت کامل و گاه به صورت نسبی بوده است. در چند سال نخست حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، قضات دادگاه ها که به صورت دلبخواهی و سلیقه ای مانع از حضور و مداخله وکلا در پرونده ها می شدند. آنان چنین می پنداشتند که وکلا باعث اطاله دادرسی و مانع از صدور احکام الهی و شرعی می شوند و با وجود حکام شرع، اساساً نیازی به حضور وکلا در روند دادرسی نیست.

همچنین به استثنای دو سه سال بعد از تأسیس جمهوری اسلامی ایران تا اواخر سال شصت و هفت، دادسرا و دادگاه های انقلاب اسلامی، مانع مداخله وکلا در پرونده های سیاسی _ به تعبیر آنان جرائم ضد انقلاب _ می شدند و جمله مشهور اسدالله لاجوردی هنوز از خاطره ها محو نشده است که گفت وکلا باید اعتقادی به باورهای موکلین خود باید داشته باشند که بخواهند از آنان دفاع کنند!

ولی پس از اعدام هزاران هوادار و عضو سازمان های سیاسی در شهریور سال ۶۷، به شکل کاملاً محدود و سلیقه ای تنها به وکلای مسن و یا قضات بازنشسته اجازه وکالت در پرونده های سیاسی اعطا شد.

صلاحیت کاندیدها نیز بایستی توسط دادگاه عالی انتظامی قضات تأیید شود.

مرجع اصلی دادگاه مذکور در این خصوص، اداره اطلاعات است. به عبارت دیگر، استقلال کانون وکلای دادگستری توسط قوه قضاییه که خود فاقد استقلال بوده و به استناد گواهی و نظریه دستگاه های امنیتی، مورد خدشه قرار می گیرد. امسال نیز طبق منوال گذشته، صلاحیت بسیاری از کاندیداهای احراز پست ریاست و هیأت مدیره کانون های وکلای دادگستری در تهران و شهرستان ها، رد شده است. اکثر این وکلا، افرادی هستند که در سالهای گذشته، یا در پرونده های سیاسی و یا در پرونده هایی که به نوعی با جرائم شرعی سنگسار، قصاص _ خاصه افراد زیر ۱۸ سال _ مرتبط بود، قبول وکالت کرده اند.

دادگاه انتظامی قضات، نه در زمان بررسی صلاحیت کاندیدها، از آنان دعوت به عمل می آورد و نه دلیل رد صلاحیت را عنوان می کند.

ب _ تصویب و اجرای ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران:

ماده ۱۸۷ قانون مذکور مقرر می دارد که به منظور اعمال حمایت های لازم حقوقی و تسهیل دستیابی مردم به خدمات قضایی و حفظ حقوق عامه، به قوه قضائیه اجازه داده می شود تا نسبت به تأیید صلاحیت فارغ التحصیلان رشته حقوق جهت صدور مجوز تاسیس موسسات مشاوره حقوقی برای آنان اقدام کند.

هر چند انحصارگرایی کانون های وکلای دادگستری یکی از علل زمینه ساز تصویب این ماده قانونی محسوب می شود، ولی دلیل اصلی تصویب آن ضربه زدن به استقلال کانون وکلا و تربیت وکلای وابسته و مطیع قوه قضاییه بود؛ وکلایی که جرأت عرض اندام در برابر هیأت حاکمه را نداشته باشند. ولی ظهور معدود وکلای مستقل از دل همین وکلایی که قرار بود وکلای تحت امر قوه قضاییه باشند، یعنی وکلای درویش گنابادی و جاوید هوتن کیان و اینحانب، وکلایی بودیم که با به جان خریدن مخاطرات و عواقب ناگوار خواب قوه قضاییه را آشفته ساختیم!

ج _ اصلاحیه ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، و این که براساس مصوبه مجلس، وکلای

پرونده های امنیتی باید مورد تأیید قوه قضائیه باشند. در ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب سال ۱۳۹۲ آمده است: متهم با شروع تحت نظر قرار گرفتن، می تواند تقاضای حضور وکیل کند. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات با شخص تحت نظر ملاقات کند و می تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.

در تبصره این ماده آورده شده است: اگر شخص به علت اتهام ارتکاب یکی از جرائم سازمان یافته و یا جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روان گردان و یا جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده ۳۰۲ این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد.

این ماده با اعتراض قوه قضائیه و ارسال لایحه اصلاحیه از سوی این دستگاه به مجلس مواجه شد و در نهایت مجلس تصویب کرد تا وکلای متهمان امنیتی مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشند؛ بدین صورت که قوه قضائیه این وکلا را انتخاب کند.

در تبصره ماده ۴۸ در لایحه اصلاحیه در مجلس آمده است: در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می کنند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می شود.

هر چند طی سال های گذشته و به دفعات مقامات مختلف جمهوری اسلامی ایران وکلا را تهدید و از قبول وکالت در پرونده های سیاسی برحذر می داشتند، ولی با تصویب این قانون آخرین میخ بر تابوت استقلال کانون وکلا در جمهوری اسلامی ایران کوبیده شد.

این ماده نه تنها در مغایرت با استقلال وکلا است، بلکه توهین به وکلا نیز محسوب می شود. این تبصره در تعارض با قانون اساسی و اصل حقوق دفاع از متهم و دادرسی منصفانه و عادلانه است؛ چون در قانون اساسی از حق اختیار وکیل سخن گفته شده است و متهم باید در انتخاب وکیل خویش به منظور دفاع از پرونده اتهامی او، آزاد باشد. این تبصره اصل بی طرفی قوه قضائیه را نیز زیر سؤال می برد.

عبدالصمد خرمشاهی: گروه‌گرایی و نادیده‌گرفتن قانون در انتخابات کانون وکلا



میلاد پور عیسی

مشروح مصاحبه مجله «حقوق ما» با عبدالصمد خرمشاهی، وکیل دادگستری:
آیا دادگاه عالی انتظامی قضات دلایل رد صلاحیت وکلای نامزد انتخابات هیأت مدیره کانون وکلا را اعلام کرده است؟
تا جایی که من اطلاع دارم، به وکلای رد صلاحیت شده چیزی به عنوان دلیل رد صلاحیت اعلام نشده است.

آیا این شیوه رد صلاحیت نامزدها مبنای قانونی دارد؟
این یک بحث تاریخی با جنبه‌های متفاوت است. از سال ۱۳۳۱ که «قانون استقلال وکلای دادگستری» تصویب شد، ترتیبات هیأت مدیره کانون، نحوه اخذ پروانه وکالت، وظایف و اختیارات وکلا و غیره، به صورت جامع و مانع تعریف شده بود. بعد از انقلاب و با تصفیه تعدادی از وکلا تا سال ۱۳۷۶ انتخابات هیأت مدیره کانون وکلا برگزار نشد؛ تا این که در سال ۱۳۷۶ قانون «کیفیت اخذ پروانه وکالت» تصویب شد که به نظر می‌رسد تصویب آن ضرورت خاصی نداشت. چرا که تا آن زمان نیز ضوابط اخذ پروانه وکالت، قانون خاص خود را داشت. با تصویب این قانون به نوعی احساس شد که قوه

عبدالصمد خرمشاهی به این شهرت دارد که با قبول وکالت کودک-مجرمان زیر حکم قصاص، در طول سال‌ها کار حرفه‌ای خود توانسته کودکان زیادی را از اعدام نجات دهد. این وکیل دادگستری در مورد روند رد صلاحیت وکلای نامزد انتخابات هیأت مدیره کانون وکلای مرکز، معتقد است پاشنه آشیل را باید در قانون «کیفیت اخذ پروانه وکالت» دید که استقلال نهاد وکالت را با چالش جدی روبه‌رو ساخته است.

به عقیده خرمشاهی، عمل نکردن کامل به همین «قانون غیر ضروری» دلیل عمده دیگری برای تداوم روند موجود در انتخابات این نهاد صنفی است.

تمام این نقدها البته مانع از این نیست که این وکیل دادگستری از عوامل درونی صنف وکلا در گسترش روند حذف غیرقانونی همکاران خود از انتخابات هیأت مدیره کانون وکلا غافل شود. گروه‌سازی‌های بیهوده، ارائه گزارش منفی از سوی بخشی از وکلا به دادگاه عالی انتظامی قضات و زیر پا گذاشتن اخلاق حرفه‌ای، از جمله دلایلی است که به نظر عبدالصمد خرمشاهی، آب را به آسیاب دشمنان استقلال نهاد وکالت ریخته است.



قضائیه تمایلی برای تداوم استقلال کانون وکلا ندارد.
در آستانه بیست‌وهشتمین دوره انتخابات هیأت مدیره کانون وکلای مرکز نیز، شخص ریاست محترم جمهور که خود ایشان نیز حقوق‌دان است، بر استقلال وکلا به عنوان یک اصل اشاره کرد.

در رابطه با استقلال وکلا، ما مصوبات سازمان ملل متحد را نیز داریم که مقرر شده وکلای دعاوی باید در برابر دولت‌ها استقلال داشته باشند.

اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز گرفتن وکیل را حق مردم دانسته است. در کنار یک قاضی پاک‌دست، حتماً باید یک وکیل مستقل از قوه قضائیه برای دفاع از طرفین دعوا وجود داشته باشد که در فعالیت خود نگرانی بابت ابطال پروانه وکالت نداشته باشد.

قانون سال ۱۳۷۶ به نوعی دایره استقلال کانون‌ها و وکلا را تنگ‌تر و محدود کرده است. برخی مواد آن قانون، مثل تبصره‌های ذیل ماده ۴ توضیح واضح‌تر در مورد شرایط وظایف وکیل داده که در قانون مصوب سال ۱۳۳۱ نیز وجود داشت.

در همین قانون، نداشتن «سوء شهرت» به عنوان یکی از

شرایط نامزدهای هیأت مدیره کانون وکلا ذکر شده است. وقتی در این قانون از عبارت «رسیدگی به صلاحیت نامزدها» از سوی دادگاه عالی انتظامی قضات استفاده می‌شود، طبعاً یک دادرسی عادلانه با تشریفات قانونی و حضور ذیحق برای بررسی ادعاها در مورد او به ذهن متبادر می‌شود.

ادعاهای مطرح شده در مورد وکیل باید از سوی مراجع دیصلاح و نه افراد حقیقی مطرح شده باشند و وکیل فرصت دفاع از خود را نیز داشته باشد.

با عنایت به این که هیأت نظارت بر انتخابات هیأت مدیره کانون وکلا در بدو امر به وظایف قانونی خود عمل می‌کند -یعنی اگر وکیلی تخلف کرده باشد، خود به خود این هیأت صلاحیت آن نامزد را رد می‌کند- اصل بر این است که نامزدهای حاضر در فهرست کانون وکلا که اسامی آنها برای دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال می‌شود، صلاحیت لازم را برای این کار دارند. مگر این که مراجع قانونی بررسی صلاحیت‌ها، ادله‌ای برای رد صلاحیت افراد در دست داشته باشند.

باید گفت همین قانون سال ۱۳۷۶ که آن را غیر ضروری دانستم نیز به صورت کامل عمل نمی‌شود. چرا که در مواردی دادگاه عالی انتظامی قضات به عنوان مرجع رسیدگی به



صلاحیت نامزدها به صورت غیر شفاف عمل کرده و وکلایی را فاقد صلاحیت اعلام کرده که بسیار خوش‌نام هستند.

سوال این است که این افراد چرا باید مورد بی‌مهری دادگاه عالی انتظامی قضات قرار بگیرند؟ و دوم این که چرا نباید پاسخی [حتی] شفاهی از سوی این دادگاه دریافت کنند؟

اگر یک همکار، وکالت متهمان پرونده‌های سیاسی را بر عهده می‌گیرد، از دایره قانون خارج نشده و البته به این معنا هم نیست که با آن متهم لزوماً هم‌سوئی دارد.

اغلب وکلا دارای گرایش سیاسی هستند و نمی‌توانند در قبال رویدادهای جامعه سکوت کنند؛ اما این بدان معنا نیست که در مقام دفاع از موکل، با او هم‌سو و هم‌نظر هستند.

بسیاری از همکاران، شجاعانه وکالت این دست از متهمان را بر عهده گرفته‌اند و شاید این قضیه به مذاق برخی از حضرات خوش نیامده است.

با توجه به این که گفتید دادگاه عالی انتظامی قضات به صورت رسمی و شفاهی دلایل رد صلاحیت وکلای نامزد هیأت مدیره کانون وکلا را اعلام نمی‌کند، چگونه متوجه شدید که علت رد صلاحیت برخی از همکاران شما، دفاع از متهمان سیاسی بوده است؟

بررسی پیشینه کاری بسیاری از وکلای رد صلاحیت شده نشان می‌دهد غالب رد صلاحیت‌ها به همین دلیل صورت گرفته است. اما در سال‌های اخیر، رد صلاحیت‌ها تنها به همین عامل محدود نمانده است.

فردی که وکالت هیچ کدام از پرونده‌های مورد توجه افکار عمومی را بر عهده نگرفته، سوء شهرت نداشته و از میزان سابقه فعالیت لازم برای عضویت در هیأت مدیره نیز برخوردار بوده نیز رد صلاحیت شده است.

مثلاً آقای دکتر محمود کاشانی در همین دایره قرار گرفته است. سوال این است که چگونه فردی برای انتخابات ریاست جمهوری تأیید صلاحیت می‌شود اما صلاحیتش برای انتخابات هیأت مدیره کانون وکلا رد می‌شود؟

یا همکاری که در دوره قبل انتخابات تأیید و دوره بعد رد می‌شود. همه این‌ها نشان می‌دهد گزینش افراد در هیچ چارچوب قانونی نمی‌گنجد.

به نظر می‌رسد دادگاه عالی انتظامی قضات برای رفع این ابهامات باید برای افراد رد صلاحیت شده جلسه ای تشکیل

داده و ادله نظر خود را اعلام کرده و دفاعیات وکیل مورد نظر را نیز بشنود.

از طرفی با توجه به این که کانون وکلا به عنوان یک نهاد مدنی، متشکل از افرادی آگاه از امور خود است، این سوال مطرح می‌شود که چرا این افراد خودشان به صورت مستقل نمی‌توانند مدیران تشکیلات صنفی خود را انتخاب کنند.

به هر حال، دخالت دادگاه عالی انتظامی قضات در فرایند انتخابات این کانون، که البته بر اساس همان قانون غیر ضروری انجام می‌شود، امری است که بارها مورد چالش قرار گرفته است.

کانون وکلا با داشتن دادگاه انتظامی وکلا، به دقت بر تمام رفتارهای حرفه‌ای همکاران نظارت دارد و از هیچ تخلفی چشم پوشی نمی‌کند. با این وصف، طبیعتاً لیستی که از سوی هیأت

هیأت مدیره کانون را ناشی از نبود اتحاد و انسجام میان خود وکلا می‌دانید؟ صنف شما باید مدافع حقوق مردم باشد. آیا در این سال‌ها توانسته به خوبی از حق خود در برابر نهادهای غیر پاسخ‌گو دفاع کند؟

برای پاسخ به این سوال باید کمی به عقب برگشت. نخستین انتخابات کانون وکلا بعد از انقلاب، به شکلی کاملاً متحد انجام شد و بدنه وکلا بر تعدادی از نامزدها توافق کردند.

بعد از آن به تدریج، رقابت‌های فردی و گروهی باعث شد که هر جمعی از وکلا برای خود یک تشکیلاتی درست کند و بهانه آن را نیز ضرورت دفاع متشکل از حقوق این صنف عنوان کند. تشکیل این گروه‌ها در دوره‌های بعدی انتخابات کانون، به تشدید رقابت‌های درون صنفی و تلاش برای حذف غیر اخلاقی رقبا منجر شد. تشکیل این گروه‌ها در ایام منتهی به انتخابات کانون نیز به صورت قارچ گونه زیاد می‌شود.

من تأکید می‌کنم در بسیاری از موارد روش‌هایی برای حذف رقیب به کار گرفته شد که به هیچ وجه در شأن مقام وکیل نبوده است.

اخیراً ریاست کانون وکلا در مراجعه‌ای که به دادگاه عالی انتظامی قضات برای پیگیری وضعیت رد صلاحیت‌شده‌ها داشت، با این پیام روبه‌رو شد که «کوهی از گزارش‌های منفی از همکاران شما به دستمان رسیده است.» ریاست کانون هم خواستار نادیده گرفتن این گزارش‌ها شد.

هر چند عضویت در هیأت مدیره کانون، افتخاری است اما وکلا باید برای رسیدن به این درجه، خدمت به صنف خود را وجهه همّت خود قرار دهند.

هر کدام از گروه‌های کانون، با آوانگارد دانستن خود، مدعی به ساحل رساندن کشتی طوفان زده این نهاد می‌شوند. من فکر می‌کنم این اوضاع، اوضاع بسامانی نیست و یک تشکل صنفی به این همه تشکل و گروه نیاز ندارد. چون هدف همه ما یکی است.

طبیعتاً مادامی که کانون وکلا از درون به انسجام نرسد، نمی‌توان از بیرون انتظار دلسوزی داشت. متأسفانه در حال حاضر، وضع معیشتی بسیاری از وکلای جوان در حدی است که به حداقل‌ها نیز دسترسی ندارند. کسانی که در حرفه مقدس وکالت فعالیت می‌کنند، باید از نظر معیشتی بی‌نیاز باشند تا بتوانند با شرافت کاری به دفاع از حقوق مردم بپردازند.

نظارت بر انتخابات کانون وکلا به عنوان نامزدهای انتخابات برای دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال می‌شود، فهرستی از همکاران صاحب صلاحیت است و باید برای رد صلاحیت آنها دلایل محکمی ارائه شود.

در این شرایط دخالت دادگاه عالی انتظامی قضات در انتخابات کانون به منزله، زیر سوال بردن استقلال نهاد وکالت ارزیابی می‌شود.

از سوی دیگر البته اخباری هست مبنی بر این که برخی از همکاران، برای حذف رقبا، گزارش‌های منفی در مورد باقی وکلا به دادگاه عالی انتظامی قضات می‌فرستند که من امیدوار هستم این شایعه‌ای بیش نباشد.

چقدر تداوم معضل رد صلاحیت وکلای نامزد انتخابات

استقلال کانون وکلا، مایه نگرانی هیأت حاکمه؛

گفت‌وگو با مصطفی دانشجو



فیروزه رمضان‌زاده

روز چهارشنبه، ۱۱ بهمن ۱۳۹۶، کانون وکلای دادگستری مرکز خبر داد که دادگاه انتظامی قضات در نامه‌ای به همین تاریخ، صلاحیت ۹۸ وکیل دادگستری را برای نامزدی در انتخابات هیأت مدیره این کانون تأیید کرده است. با این وجود، صلاحیت ۲۸ وکیل دادگستری سرشناس از جمله؛ قاسم شعله‌سعدی، محمدحسین آقاسی، عبدالصمد خرمشاهی، فریده غیرت، مینا جعفری، مریم کیان‌ارثی و رمضان حاجی‌مشهدی برای عضویت در هیأت مدیره این کانون از سوی دادگاه عالی انتظامی قضات رد شده است. مجله «حقوق ما» در مورد استقلال کانون وکلا و علت حساسیت‌های قوه قضاییه بر روی این کانون، با مصطفی دانشجو، وکیل سابق دادگستری ساکن کرج، گفت‌وگویی انجام داده است. مصطفی دانشجو که پروانه وکالتش در جریان دفاع از حقوق جامعه دراویش طریقت نعمت‌اللهی گنابادی ابطال شده است، در حال حاضر امکان مداخله در پرونده‌های قضایی را ندارد. مشروح گفت‌وگو با مصطفی دانشجو در ادامه آمده است.

آقای دانشجو! کانون وکلای دادگستری مرکز در طول سال‌های گذشته با حجم زیادی از فشار روبرو بوده است و هرساله شاهد رد صلاحیت تعداد زیادی از وکلای سرشناس دادگستری برای نامزدی در انتخابات هیأت مدیره این کانون هستیم. این موازی‌سازی‌ها و در مجموع، تضعیف کانون وکلا از سوی قوه قضاییه، با چه انگیزه‌ای صورت می‌گیرد؟ وقتی ما از تأیید و صلاحیت و رد صلاحیت صحبت می‌کنیم،

باید ببینیم اولاً صلاحیت چیست، صالح کیست و کسی که می‌خواهد این صلاحیت را تشخیص دهد، میزان و معیارش برای سنجش صلاحیت چیست؟ وکیل در آغاز کسوت وکالت سوگند یاد می‌کند که همیشه قوانین مملکتی را محترم بشمارد و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته باشد و برخلاف شرافت وکالت اقدامی و اظهاری نکند و نسبت به اشخاص و مقامات قضایی و اداری و اصحاب دعوا رعایت احترام را بکند و راستی و درستی را رویه خود قرار دهد و مدافع حق باشد و شرافت خودش را وثیقه سوگند قرار می‌دهد. بنابراین باید ببینیم که ملاک و معیار سنجش تأیید و رد صلاحیت این وکیل برای هیأت مدیره کانون وکلا چه چیزی است؟

این که چه چیزی معیار قرار می‌گیرد برای ما بسیار مهم است. اگر واقعاً یک وکیل دادگستری براساس سوگندی که یاد می‌کند راستی و درستی را رویه خود قرار می‌دهد و مدافع



حق است و جز عدالت و احقاق حق منظوری ندارد، بنابراین کسی که این وکیل را مورد تشخیص و تایید صلاحیت یا رد صلاحیت قرار می‌دهد، چه چیزی غیر از این مسائل را باید ملاک قرار دهد؟

آیا واقعاً رفتار وکیل براساس سوگندی که یاد می‌کند ملاک و میزان تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد یا نه؟ با توجه به این رد صلاحیت‌های گسترده‌ای که هر سال شاهد آن هستیم باید این واقعیت تلخ را اعتراف کنیم که اگر وکیل در مقابل قدرت، در دفاع از مظلوم، از خود کرنشی نشان دهد، یا حداقل در برابر مظالم رفته بر شهروندان، سکوت اختیار کند، می‌تواند در جایگاه تصمیم‌گیرندگان کانون وکلا قرار گیرد. بنابراین اگر بخواهیم این واقعیت تلخ را مطرح کنیم، باید به این موضوع هم اعتراف کنیم که جایگاه کانون وکلا دیگر جایگاه مأمّن و پناهگاه مردم نیست. برای این که ما کانون وکلا را مهم‌ترین نهاد مدنی در فضای حقوق اجتماعی می‌دانیم. همیشه کانون وکلا پناهگاه و پشتیبان حقوقی مردم بوده در برابر همه ظلم‌ها و ستم‌ها، چه در برابر دعوای اشخاص با یکدیگر، چه در دعاو و ظلم و ستم رفته از طرف حکومت بر شهروندان.

بنابراین وقتی که بخواهیم رفتاری غیر از سوگند وکیل را میزان و ملاک سنجش تأیید و رد صلاحیت وکیل قرار دهیم، قاعدتاً کانون وکلا آن کانون مستقل و دارای شخصیتی مستقل در عدلیه نخواهد بود.

وقتی که تأیید و رد صلاحیت وکیل در اختیار دادرای انتظامی قضات قرار می‌گیرد و بخشی از عدلیه می‌خواهد برای وکیل به عنوان انتخاب شونده در هیأت مدیره کانون وکلا تصمیم بگیرد، در نتیجه باید ملاک و میزان را سوگند وکیل قرار دهد. اگر وکیلی به واقع به سوگند خود وفادار است، به اعتقاد من باید تأیید شود و این حق انتخاب است که کانون وکلا آن فرد را انتخاب کند یا نکند، اما این که بخواهیم وکلای پای‌بند به سوگند را با اهرم فشار تأیید یا رد صلاحیت کنیم، به کانون وکلا و شخصیت و دیدگاه مستقل آن لطمه وارد می‌کنیم. این اعتقاد من هست و باید حتماً ملاک و میزانی که برای دادرای انتظامی یا هر نهاد دیگری که می‌خواهد درباره وکلا تصمیم بگیرد، تغییر کند.

آیا امکان تجدید نظر در تصمیم‌گیری دادگاه عالی انتظامی قضات نسبت به نامزدهای رد صلاحیت شده در انتخابات هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز وجود دارد؟

این رد صلاحیت‌ها مجدداً در دادگاه عالی انتظامی قضات، قابل بررسی و رسیدگی مجدد هستند، امیدوارم همانطور که عرض کردم ملاک و معیار سنجش وکلا برای تأیید و رد صلاحیت

تغییر پیدا کند و عملکرد وکیل، براساس پای‌بندی و وفاداری به سوگندی که یاد کرده است میزان قرار بگیرد و نه آیت‌ها و فاکتورهای دیگر.

کانون وکلای دادگستری مرکز با وجود انواع و اقسام هجمه‌ها، تنگ‌نظری‌ها و فشارها از سوی دستگاه‌های حاکمیتی، همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. از چه زمان استقلال و قدرت کانون وکلا خدشه‌دار شد؟

ببینید برای مستقل شدن کانون وکلا، به جهت این که وکیل بتواند در عدلیه به راستی و درستی مدافع حق باشد، زحمات زیادی کشیده شد. در زمان دولت مرحوم محمد مصدق، کانون وکلا توانست استقلال خود را از عدلیه و دادگستری آن زمان به دست آورد و این استقلال زمانی می‌تواند معنا و مفهوم واقعی داشته باشد که تصمیم‌گیرندگان، کسانی که به عنوان هیات مدیره و مقامات عالی تصمیم گیرنده در کانون وکلا انتخاب می‌شوند، در شرایط آزاد انتخاب شوند. به علاوه، کانون وکلا باید بتواند در تمام زمینه‌ها بدون این که نگرانی بابت از دست دادن استقلالش داشته باشد، در قوه قضاییه همواره نقش مدافع حقوق مردم را ایفا کند.

اما این که می‌فرمایید «چه زمانی؟»، ما می‌توانیم زمان از دست دادن استقلال کانون وکلا را براساس حرکت‌ها و رفتارهای اجتماعی بسنجیم؛ آنجایی که کانون وکلا به واقع توانسته است جایگاه خود را حفظ کند و در نقش مدافع مردم در برابر ستم‌های رفته عمل کند، آنجا توانسته به واقع استقلال خودش را به منصف ظهور برساند اما آنجا که به واسطه فشارها و محدودیت‌هایی که برایش ایجاد شده، در مقابل حکومت از خود کرنشی نشان داده و با وکلای خود برخورد کرده یا آنها را مورد تعقیب انتظامی قرار داده یا نتوانسته در حرکت‌های اجتماعی پشتیبان و مدافع مردم باشد، اینجا می‌توان گفت که کانون وکلا استقلال خود را زیر سوال برده است.

به هر حال این که بخواهیم این استقلال را به طور کلی از دست رفته بدانیم، خیر این هم سخن سنجیده و بجایی نیست، به هر حال کانون وکلا در شرایط کنونی حکومت ایران و فشارهایی که از همه طرف و از طرف عدلیه وارد می‌شود، به حیات خویش ادامه داده و شما می‌بینید که در این سال‌ها حتی در چند سال قبل، رییس قوه قضاییه طی آیین نامه‌ای لایحه استقلال کانون وکلا را زیر سوال برد که با مقاومت وکلا و اعتراض گسترده جامعه حقوقی ایران مواجه شد و در نتیجه آن آیین نامه بلااقدام و معطل ماند.

اما در شرایطی که می‌بینیم، مجلس در این سالها تکاپو می‌کند برای این که بتواند با تصویب قانون، استقلال کانون را بگیرد و برگرداند به همان وکیل دولتی عدلیه. در نتیجه با این شرایطی

که ما مواجه هستیم کانون وکلا تاکنون توانسته است مقاومت کند و در برابر این هجمه‌های وارد شده اعتراضات خود را وارد کند. اما به هرحال بر رفتار کانون این ایراد هم وارد است و اعتراضی هم که از طرف بدنه جامعه وکالت نسبت به کانون وکلا صورت می‌گیرد هم اعتراضات بجایی است و بهتر است که کانون به فکر شنیدن این اعتراضات باشد و و بتواند همواره استقلالی که برای به دست آوردنش زحمات زیادی کشیده شده و پیش از این نیم قرن توانسته دوام بیاورد، همچنان مستدام حفظ شود.

به چه دلیل انتخابات هیأت مدیره کانون برای دادگاه انتظامی قضات و قوه قضاییه تا این اندازه اهمیت دارد که هر سال تعداد زیادی از نامزدهای انتخابات هیات مدیره را رد صلاحیت می‌کنند؟ اساساً هیأت مدیره کانون چه وظایف و اختیاراتی برعهده دارند؟

به هر حال تصمیم‌گیرندگان اصلی در کانون وکلا هیات مدیره هستند، آنها هستند که برای شرایط اعطای وکالت و پروانه وکالت وکلا تصمیم‌گیرنده هستند، بخشی از اختیارات آنها برمی‌گردد به تشکیلات داخلی کانون، انتخاب دادیاران دادرهای انتظامی و کسانی که می‌خواهند وکلا را مورد تعقیب و محاکمه قرار دهند از نظر انتظامی انتخابشان با هیأت مدیره است؛ انتخاب دادستان انتظامی وکلا با هیات مدیره است؛ در نتیجه بخشی از نگرانی قوه قضاییه به جهت سلب صلاحیت وکلا است برای این که اگر کانون وکلا در مقام دفاع از وکیل خود برآید و یک دادرای انتظامی عادل و پای‌بند به قانون وجود داشته باشد، در نتیجه در برابر حکومت و قوه قضاییه از خود، کرنشی نشان نمی‌دهد و این موضوع می‌تواند بخشی از نگرانی قوه قضاییه و مقام‌های حکومتی در ارتباط با کانون وکلا باشد.

از طرف دیگر کانون وکلا به طور کلی به عنوان یک نهاد مدنی در فضای حقوقی و اجتماعی کشور می‌تواند نقش سازنده‌ای داشته باشد و در برابر بسیاری از رفتارهای غیرقانونی که از طرف حکومت و مأموران حکومتی سرمی‌زند، روشنگری کند، آگاهی‌بخشی کند و در توانمندسازی حقوقی جامعه نقش موثری ایفا کند.

طبیعتاً اگر کانون وکلا بتواند این نقش را به خوبی ایفا کند این ایفای نقش منوط به تصمیمی است که در هیأت مدیره اتخاذ می‌شود و هیأت مدیره اگر واقعا هیأت مدیره وزین و دارای فهم و اعتقاد باشد و بتواند از جامعه حمایت کند، در نتیجه برای افزایش آگاهی حقوقی مردم می‌تواند نقش موثری ایفا کند، این مسائل می تواند بخشی از نگرانی عمده دستگاه قضایی و هیات حاکمه ایران در ارتباط با کانون وکلا باشد.

شعله‌سعدی: قوه قضاییه غیرمستقل، نمی‌خواهد کانون وکلا مستقل باشد

قاسم شعله‌سعدی، حقوقدان و نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی، از جمله وکلایی است که صلاحیت وی در سه دوره از انتخابات هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز از سوی دادگاه عالی انتظامات قضات رد شده است.

او که از جمله رد صلاحیت‌شدگان در سی‌امین دوره از انتخابات کانون وکلای دادگستری مرکز است با بیان این که دلیل رد صلاحیتش به وی اعلام نشده، به مجله «حقوق ما» می‌گوید: «برای صلاحیت کاندیداهای هیأت مدیره که در اختیار دادگاه انتظامی عالی قضات است، مقرر شده که [نامزد انتخابات] منحصرأ باید وکیل باشد، هشت سال سابقه وکالت پایه یک دادگستری داشته باشد، دارای سن حداقل ۳۵ سال باشد و سوءشهرت نداشته باشد؛ و بعد از آن هم گفته‌اند باید رسیدگی صورت بگیرد. رسیدگی یعنی این که دادگاه عالی انتظامی قضات. اگر در همین سه موردی که مجاز است ورود پیدا کنند تا یک کاندیدای هیات مدیره این شرایط را دارد یا نه، در همین مورد هم اگر بخواهند کسی را رد صلاحیت کنند باید آن کاندیدا و وکیل را دعوت کنند علت را بگویند و وکیل هم از خودش دفاع کند.در یک رسیدگی این مسائل می توانند مورد بررسی قرار گیرند.»

این زندانی سیاسی سابق با تأکید بر این که دادگاه انتظامی عالی قضات تخلف می‌کند، گفت: «به نظر می‌رسد در واقع یک اراده سیاسی پشت این موضوع است اصل قضیه هم برمی‌گردد به عدم استقلال کافی قوه قضاییه. قوه قضاییه خود استقلال کامل ندارد بنابراین نمی‌تواند یک کانون وکلای مستقل را در کنار خود داشته باشد. به انحاء مختلف تلاش می‌کند که کانون وکلای دادگستری استقلال نداشته باشد.»

به گفته شعله سعدی، یکی از راه هایی که برای این منظور انتخاب کرده ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه است در واقع

همان کسانی که

تأیید صلاحیت

شده‌اند می‌بایست

انصراف می‌دادند

و در انتخابات

شرکت نمی‌کردند.

[می‌بایست]

می‌گفتند این که

کسی مثل آقای

نیری بخواهد برای

ما تصمیم‌گیری کند،

قبول نداریم.



شعله‌سعدی با اشاره به این موضوع می‌گوید: «حالا چه کسی می‌خواهد نامزدهای انتخابات هیأت مدیره کانون را تأیید کند؟ آقای نیری، رییس کل دادگاه انتظامی عالی قضات، کسی که خود یکی از اعضای کمیته مرگ در سال ۶۷ بوده است، تمامی نامه‌های رد صلاحیت نامزدهای انتخابات هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز به امضای ایشان می‌رسد. حالا «عدم تأیید» بازی دیگری است که درست کرده‌اند، «عدم تأیید» یعنی همان «رد صلاحیت» نمی‌دانم چرا با کلمات بازی می‌کنند.»

او در ادامه توضیح می‌دهد: «من که نمی‌خواهم اعتراضی نسبت به رد صلاحیتم بکنم ولی نکته‌ای که جای تأسف دارد، این است که کانون وکلای دادگستری مرکز اگر در حد کانون وکلای امریکا و اروپا نباشد، در حد کانون وکلای پاکستان که هست. وکلای پاکستان، پرویز مشرفی را که با کودتا بر سر کار آمد و بعد رییس جمهور شد، آمدند و این فرد را برکنار کردند. در بهار عرب هم وکلای دادگستری نقش مهمی داشتند. وقتی بهار عربی با جنبش آزادیخواهی و دموکراسی‌خواهی در تونس کلید خورد، خانم وکیلی پیش‌تاز این مسأله بود. به دنبال خودسوزی آن دستفروشی که مورد ستم قرار گرفته بود، وقتی

خودشان، وکیل دولتی و کارشناس دولتی تربیت می‌کنند وکلا و کارشناسانی که تابع دولت و قوه قضاییه هستند، راه دیگر هم این است که اجازه نمی‌دهند اعضای هیات مدیره کانون وکلای دادگستری افراد مستقلی باشند تا بتوانند از استقلال کانون وکلای دادگستری دفاع کنند. بنابراین به انحای مختلف دخالت می‌کنند، یکی از همین موارد رد صلاحیت نامزدهای شرکت برای انتخابات هیات مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز است که البته روند جدیدی هم نیست، در واقع از اول انقلاب چنین بوده به استثنای مدت محدودی در روزهای نخست، هیات‌های مدیره منحل شدند، لاقلاً در تهران چنین بوده، سرپرست کانون از سوی قوه قضاییه تعیین شد که خلاف قانون بوده است.

به هر حال همه این تلاش‌ها در این جهت صورت گرفته‌اند که یک کانون وکلای مستقلی نداشته باشیم که بتواند نقشی برعهده بگیرد برای تأمین و تثبیت استقلال خود قوه قضاییه، بنابراین این شرایط را به طور غیرقانونی تحمیل می‌کنند.» نماینده پیشین دو دوره از مجلس شورای اسلامی، به گام‌های نخستین برای خدشه‌دارشدن استقلال کانون وکلا، ازجمله جلوگیری از برگزاری انتخابات هیأت مدیره کانون وکلا و اداره شدن این کانون از سوی یک رییس انتصابی از سوی قوه قضاییه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اشاره می‌کند و می‌گوید: «کانون چندین سال تحت سرپرستی کسی بود که از سوی قوه قضاییه منصوب و تعیین شده بود و اساساً هیات مدیره نداشت، بعد که آمدند و هیات مدیره انتخاب کنند گرفتار بحث صلاحیت و رد صلاحیت شده است.»

شعله‌سعدی می‌گوید: «ما کسانی را داشتیم که سال‌ها عضو هیأت مدیره کانون بوده‌اند و رد صلاحیت شده‌اند، من که نماینده مجلس بودم. جالب است بدانید آقای محمود کاشانی، پسر آیت‌الله کاشانی که خودش در یک دوره‌ای به عنوان رقیب آقای خامنه‌ای، کاندیدای ریاست جمهوری بود، با وجود بیش از ۴۰ سال سابقه تدریس در دانشگاه و تجربه وکالت و با توجه به این که پسر آیت‌الله کاشانی هم هست، شورای نگهبان یک بار صلاحیت او را تأیید کرد و با آقای خامنه‌ای رقابت کرد اما چند سال پیش صلاحیت او برای شرکت در انتخابات هیات مدیره کانون وکلا از سوی دادگاه انتظامی عالی قضات رد شد. البته این دوره ایشان انصراف داد و ادامه نداد؛ شاید اگر ادامه می‌داد ایشان را هم رد صلاحیت می‌کردند.»

حسین‌علی نیری، معاون دیوان عالی کشور، در سال ۱۳۹۲ از سوی ریاست قوه قضاییه ایران به ریاست دادگاه انتظامی عالی قضات انتخاب شد. او به عنوان یکی از عوامل اصلی در صدور احکام اعدام دگراندیشان سیاسی در دهه ۶۰ و نیز تابستان ۶۷ شناخته شده است.

نیستم، ببینید در همه دنیا وکلا بوده‌اند که تاریخ دنیا را تغییر داده‌اند، آقای نلسون ماندلا وکیل دادگستری بوده که سمبل آزادیخواهی در تاریخ شناخته می‌شود، آقای مهاتما گاندی وکیل دادگستری بود، بیشتر رهبران مطرح جهان از وکلای دادگستری بوده‌اند یا با همت آنها تغییرات اساسی در کشورشان به وجود آمد و قهرمان ملی شدند؛ یا حداقل در کشور خودشان به عنوان رهبران آگاه و عادل شناخته شده‌اند که منافع ملی کشورشان را تعیین کرده‌اند.

در دادگاه‌های ما موبایل‌های وکلا را می‌گیرند یا سربازها جلوی در ورودی آن‌ها را تفتیش می‌کنند. درحالی که ما در قانون داریم که شأن وکیل و قاضی در محکمه مساوی و هم‌تراز است. بنابراین، این حداقل‌ها را هم از سوی کانون وکلای دادگستری ما تأمین نشده است. بنابراین باید برای وکلای خود خون گریست که آن‌قدر درگیر مسائل پیش پا افتاده هستند، همین مسائل پیش افتاده را هم نمی‌توانند حل کنند.»

صادق لاریجانی، رییس قوه قضاییه در روز ۸ خردادماه جاری در سخنانی با اشاره غیرمستقیم به وعده‌های حسن روحانی مبنی بر رفع حصر خانگی زهرا رهنورد، میرحسین موسوی و مهدی کروبی رهبران جنبش سبز گفت «نقل کرده‌اند که کاندیدائی در جمع هواداران خود خطاب به آنان گفته است که ما آمده‌ایم حصر را بشکنیم. شما چه کاره‌اید که که بخواهید حصر را بشکنید؟ هشدار می‌دهیم که این بساط را جمع کنند وگرنه قوه قضائیه با اقتدار، خود این بساط را جمع خواهد کرد.»

شعله‌سعدی با اشاره به سخنان ریاست قوه قضاییه ایران، توضیح می‌دهد: «پس از انتشار سخنان رییس قوه قضاییه، نامه‌ای منتشر کردم خطاب به آقای لاریجانی و گفتم رئیس جمهور با این که طبق قانون اساسی ملزم به دفاع از حقوق شهروندان است، اما به زعم شما ایشان هیچ‌کاره است. تو که همه‌کاره هستی و او که هیچ‌کاره است می‌خواهد کاری انجام دهد، نمی‌تواند. ولی تو که همه‌کاره هستی و باید کاری انجام دهی، انجام نمی‌دهی و به اصول متعدد قانون اساسی هم استناد کردم. حالا دادستان به خاطر این نامه من علیه من اعلام جرم کرده و یک پرونده‌ای درست کرده‌اند بدون این که من اطلاع داشته باشم با کیفرخواست کتبی به دادگاه انقلاب فرستاده‌اند. من فقط این سوال را پرسیدم که چرا قوه قضاییه از یک نهاد امنیتی تمکین می‌کند؟ قوه قضاییه یک وظایفی دارد. باید استقلال خود را حفظ کند. همین را مستمسک قرار داده‌اند، یک سوال قانونی از یک حقوق‌دان را تبلیغ علیه نظام تعبیر کرده‌اند.»

آن دستفروش خود را کشت، آن خانم وکیل به خونخواهی او برخاست و بعد از آن بود که بهار عربی کلید خورد و تحولات بزرگی را در کشورهای عربی رقم زد؛ از جمله در خود تونس. بنابراین جنبش تغییر و سقوط دیکتاتور و استقرار یک نظام دموکراتیک توسط این خانم وکیل کلید خورد.

حالا من نمی‌دانم چرا وکلای ما این‌قدر ضعیف و ذلیل شده‌اند که حتی نمی‌توانند از حقوق صنفی خود دفاع کنند، چه برسد به این که بخواهند یک نقش اجتماعی در تحولات کشور داشته باشند. این مسأله باعث تاسف و گریستن است، اگر وکلای ما یک جو همیت داشتند همان کسانی که تأیید صلاحیت شده‌اند می‌بایست انصراف می‌دادند و در انتخابات شرکت نمی‌کردند. [می‌بایست] می‌گفتند این که کسی مثل آقای نیری بخواهد برای ما تصمیم‌گیری کند، قبول نداریم. آن هم با اختیاراتی غیرقانونی؛ یعنی حتی آن اختیاراتی که قانون هم داده از آن هم تجاوز می‌کنند. بعد یک عده‌ای تبلیغ می‌کنند که بیایید و در انتخابات شرکت کنید، دقیقاً چیزی شبیه به انتخابات ریاست جمهوری که مثلاً از ترس آقای ابراهیم ریسی رأی خود را به حسن روحانی بدهید.»

او در ادامه تأکید می‌کند: «من اصولاً با این رویه موافق

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: کامبیز غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net

